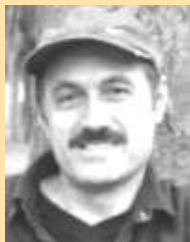


هفت تپه

هر نام پیروزی را برسمیت بشناسیم و تثبیت کنیم!

مظفر محمدی



در بیست و چهارمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تجمع بالغ بر دو هزار کارگر در شهر شوش که بزرگ‌ترین حضور کارگران در اعتصاب و تجمعات یک ماه اخیر است، نمایندگان وزارت کار، نمایندگان از مجلس شورای اسلامی، کارفرما و شورای اسلامی شرکت، در غیاب نمایندگان واقعی کارگران هم اجتماع کردند و تصمیماتشان را ابلاغ نمودند. در نشست نمایندگان دولت و کارفرما، اعلام شده است که حقوق‌های معوقه حداکثر تا دهم مرداد پرداخت و اعتبار دفترچه‌های بیمه کارگران تا پایان مرداد ماه تمدید شود. همچنین در ماه‌های آینده پرداخت‌ها به صورت منظم انجام شود.

پرداخت معوقه‌ها و تمدید دفترچه‌های بیمه بخشی از خواست‌های اعتصاب کارگران هفت‌تپه است. آیا کارگران اعتصابی تصمیمات جبهه کارفرما و دولت را می‌پذیرند؟ یا در صورت پذیرش، ضمانت اجرایی آن چیست؟ تصمیم کارگران چه خواهد بود؟

یک راه و تصمیم می‌تواند این باشد که کارگران هفت‌تپه تا تحقق همه خواست‌هایشان به اعتصاب ادامه دهند. در این صورت باید به شرایطی که هفت‌تپه در آن قرار گرفته و توازن قوای اجتماعی نه تنها بین هفت‌تپه و کارفرما و دولت بلکه توازن قوای کل طبقه کارگر و بورژوازی حاکم را به درستی ارزیابی کنند. پتانسیل و نیروی مقاومت کارگران و اتحاد صفوف خود را به درستی بررسی نمایند و بویژه طولانی شدن اعتصاب، تعطیلی شرکت و نیاز فوری خانواده‌های کارگران به تامین معیشت و نان سفره‌شان را بطور جدی مورد ملاحظه قرار دهند.

راه دوم و تصمیم دیگر کارگران هفت تپه می‌تواند این باشد که یک قدم پیروزی خود و عقب‌نشینی دولت و کارفرما را بپذیرد و با گرفتن تضمین اجرای تعهداتشان، شرکت را راه‌اندازی و مطالبات دیگر خود را در شرایط مساعدتر و در حالی که کارگران با گرفتن معوقه‌ها و تمدید دفترچه‌ها نفسی تازه میکنند، در اشکال مختلف پیگیری نمایند. ... صفحه ۲

اعترافات جناب رییس جمهور

فواد عبدللهی صفحه ۲

زخم ۲۹ ساله کردستان

محمد فتاحی صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

HEKMATIST.COM

هفتگی ۳۱۵



۹ ژوئیه ۲۰۲۰ - ۱۹ تیر ۱۳۹۹
پنجشنبه‌ها منتشر میشود

با کرونا باید زندگی کرد!

ثریا شهابی

”با کرونا باید زندگی کرد!“ و ”این تازه آغاز کار است!“ این پیام همه قدرت‌های اقتصادی، سیاسی، و نظامی حاکم بر بشریت ساکن کره خاکی، از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب، به صفوف خود و به صفوف تحت حاکمیت شان است!

”نرمال سازی“ زندگی در جهان کرونایی و در چنگال ظاهرها ”یک هیولای ناشناخته“ بنام ”کووید ۱۹“ که ”همه جهانیان“ را سوار بر یک کشتی به وسعت کره خاکی، بر امواج دریاها سرگردان کرده و هر آن می‌تواند این و آن فرد ”مهم“ یا ”غیرمهم“، را به کام مرگ بکشاند، می‌تواند اشخاص معروف و ناشناس، مرفه و ”قدرتمند“ یا تهی دست و خدمه و کارگر و بی امکانات را ”همه با هم“ طعمه حمله خود کند، امروز مهمترین ”سیاست جهانی“ است! سیاستی که اعلام میکند که ”همه در یک کشتی نشسته و در یک موقعیت قرار دارند!“ و این داستان زندگی در جهان کرونایی است! و همه، بخصوص سرنشینان، خدمه و بردگان مزدی و کسانی که سرمایه ای جز نیروی کار خود و خانواده هایشان ندارند، کودک و بزرگ و در ابعاد میلیاردی و به وسعت کره خاکی به ”امان خدا رها شده اند!“ معدودی برده دار و سکان دار و صاحبین و مالکین و قدرتمندان همه با ماسک ها و قایق ها و جلیقه های نجات و پیشرفته ترین تجهیزات و اسلحه های دفاع از خود و نظام شان، سرنوشت کره خاکی را در راستای منافع خود بدست دارند! آن را هر روز از این سو به آن سو می‌برند! هر روز تعداد بیشتری را قربانی میکنند. قربانی مرگ از کرونا، مرگ از گرسنگی، مرگ از فرار، مرگ از بیکاری و بی دارویی. خودشان هم میدانند که این تصویر واقعی تر است از تصویر ”همه مثل هم گرفتاریم!“ روی گسترش ترس و وحشت و تسلیم و احساس بی قدرتی پائین و رها گذاشتن سرنوشت خود در دستان خدایان قرن بیست و یک، سرمایه و سرمایه داری، حساب باز کرده اند. حسابی که هرروز متفکرین شان بر خوش بینانه بودن آن، بر غیرممکن و غیرمحمتمل بودن آن، تاکید میکنند. ”نرمال سازی“، حکمی دال بر این است که فعلا و تا زمانی نامعلوم ”مصاب کرونای“، مرگ و میر و بیکاری میلیونی و فقر و ترس و درهم ریختگی زندگی های اجتماعی و خانوادگی و کاری و تحصیلی، سرگردانی کودکان و جوانان و در خطر بودن سالمندان و بیماران و حلقه های ضعیف اقتصادی، جسمی، روانی، همه و همه بخشی از سوخت و ساز زندگی ”روتین“ است که ”باید با آن زندگی کرد“ باید به آن عادت کرد و ”با آن سوخت و ساخت!“

این ”ویروسی“ است که میتواند این و آن جمعیت میلیونی را در ایران یا آمریکا و برزیل و هند و .. به کام مرگ از بیماری یا فقر و بیکاری بکشاند، و ”نقشه راه“ قدرت های بالای سر مردم عبارت است از: سپردن امنیت مردم ”در دست خودشان!“ صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

اعترافات جناب رییس جمهور

فواد عبدللهی

«با فشارهای گسترده بیماری کرونا اکنون زمان تنش و بگومگوهای سیاسی نیست» - حسن روحانی

روحانی درست می‌گوید؛ کرونا هرچند وقفه‌ای در جدال طبقاتی پایین علیه بالا ایجاد کرد اما نمی‌توان روی صورت مردمی که مدتهاست از هر دو جناح عبور کرده‌اند و در کمین فرصتی برای بزیر کشیدن نظام‌اند، «عکس مار» کشید؛ روحانی بدرست نگران است؛ نگران سرنوشت حاکمیت اسلامی است؛ دیروز در جلسه هیئت دولت هشدار داده است که «تنش و بگوبگو در بالا، به تفرقه و جدایی میان ملت و نظام کمک می‌کند»؛ فهمیده است که از دیماه ۱۳۹۶ به این سو، اعتراض دائمی کارگران در استان‌های مختلف ایران با ایجاد تشکلهای مستقل کارگری که زیر چتر شوراهای اسلامی کار قرار نمی‌گیرند، تبدیل به یک کابوس و چالش امنیتی برای موجودیت نظام شده است. می‌داند که مدتهاست رابطه مردم با حاکمیت تغییر کرده است؛ از خیزش دیماه ۱۳۹۶ تاکنون، طبقه کارگر ایران به یک تغییر کیفی در موقعیت خویش دست یافته است؛ این تغییر کیفی و این تغییر در توازن قوا، به روشنی در مقابل بورژوازی حاکم، قابل مشاهده و اندازه‌گیری است؛ امروز همه می‌دانند که تغییر توازن قوا به نفع طبقه کارگر و محرومین در مقابل کارفرما و شرکای در قدرتش، از هر دوجناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و مجلس و قوه قضائیه و دولت و بیت رهبری و سپاه و ... با فاکتورهای عینی قابل محاسبه است.

علیرغم شیوع ویروس کرونا و فقر و فلاکتی که بر هستی و زندگی میلیون‌ها انسان تحمیل کرده‌اند، طبقه کارگر در ایران، نه تنها میدان را خالی نمی‌کند که در هر قدم بیش از پیش متحدتر و متشکل‌تر، حاکمیت را به چالش می‌کشد و آن را زیر ضربات محکم مطالبات اجتماعی خود، قرار می‌دهد. این روندی است که در راس آن طبقه کارگر و سازماندهندگان اعتصابات و اعتراضات کارگری قرار دارد. روندی که جامعه هشتاد میلیونی ایران، از کردستان تا تهران، از اهواز تا مازندران، را حول پیشروترین بخش جنبش کارگری، به هم بافته است و مهر مطالبات و شعارهای خود را بر سراسر اعتراضات و تحریکات سیاسی پایین علیه حاکمیت در بالا، زده است. این موقعیت بلقوه و بلفعل طبقه کارگر، چنان نیرومند است که کل رسانه‌ها و میدیای رسمی را به اعتراف کشانده است؛ این دستگاه عریض و طویل طبقه حاکمه که تا دیروز «نیم‌نگاهی» به این فاکتور کلیدی داشت، اکنون اما سنگینی وزن طبقه کارگر از صدای آمریکا تا بی بی سی و تا سران سه قوه را به «خطر» موقعیت کلیدی‌اش در تحولات امروز، «آگاه» کرده است.

اعتراضات جاری در ایران و بویژه بعد از آبان ۹۸، نه تنها بی‌شکل و پراکنده و خودبخودی نیستند بلکه به سمت شکل‌دادن به یک مفصل‌بندی می‌روند؛ کشمکش علیه بالا و علیه حاکمیت، از متت تشکلهای، انجمن‌های معلمین و سندیکاها و شوراهای و مجامع عمومی و .. بروز پیدا می‌کنند؛ چهره‌های شاخص و برجسته رهبران اعتراضات کارگری و فعالین حامی آنها، فضای سیاسی جامعه را کاملا دگرگون کرده است؛ این سمبه پر زور و متشکل طبقه کارگر قابل نادیده گرفتن نیست؛ حتی «زامبی»‌های اپوزیسیون راست ایران مانند فرشگرد را مجبور به انعکاس اعتراضات کارگری و اعتصابات قدرتمند هفت‌تپه در شبکه‌های اجتماعی‌شان کرده است.

این آن حقیقتی است که از ولی‌فقیه و روحانی و رئیسی تا فرشگرد و جنبش ارتجاع فیروزه‌ای را به فکر جمع و جور کردن صفوف خود انداخته است. این آن واقعیتی است که کل این جبهه را کنار هم گذاشته است و به مصاف آن خیز برداشته است. هم بورژوازی ایران به سرکردگی جمهوری اسلامی و هم طبقه کارگر و کمونیست‌ها وارد دوران نوینی شده‌اند؛ باید روی این تغییر توازن قوا به یمن موقعیت طبقه کارگر، تحولات آتی را شکل داد؛ جوانه‌های یک‌سره کردن قدرت سیاسی، هم‌اکنون در حال رویدادن‌اند؛ باید کمک کرد که این تاریخ روی قاعده اصلی‌اش بنشیند.

اگر بخواهیم واقع بین باشیم، خلع ید از کارفرمای بخش خصوصی و مجازات اختلاسگران در حیطه قدرت کارگران نیشکر هفت تپه نیست. دزدی، فساد و اختلاس در تاروپود این نظام تنیده است. اصلاح یا تغییر قوانین قوه قضائیه فاسد و مجازات اختلاسگران در توان هفت تپه به تنهایی نیست. یا بطور کلی مساله خصوصی- دولتی در اساس امر طبقه کارگر نیست. کنترل تولید، مالکیت کارگران سهامدار و یا تعاونی‌کردن شرکت هم یک اتوپی است. لغو خصوصی سازی و بازار آزاد فقط در لغو مالکیت خصوصی بطور کلی و در یک انقلاب کارگری ممکن است.

دولت سرمایه داران چه در رابطه با مالکیت دولتی و چه خصوصی در قبالت امنیت شغلی، دستمزد و معیشت کارگران و سلامت محیط کار مسئول است. نظارت کارگران از طریق نماینده‌های واقعی‌شان ضامن شفافیت رابطه کار و سرمایه و نظارت و افشای تخلفات کارفرما است. در نهایت دولت مسئول است. مساله اساسی و جدال کارگران با کارفرمای خصوصی یا دولتی، تامین و تضمین منفعت کارگران یعنی تحقق خواست‌های اقتصادی «دستمزدهای مکفی، بیمه‌ها، مزایای کار، آزادی تشکل مستقل، نظارت بر اخراج و تامین رفاهیات کارگران...» است.

در نتیجه بطور واقعی سه خواست اصلی اعتصاب کارگران هفت‌تپه، پرداخت معوقه‌ها، تهدید دفترچه‌ها و بازگشت به کار کارگران اخراجی است که خواست آخر در تصمیمات اخیر دولت- کارفرما مسکوت گذاشته شده است. خواستی که کارگران از آن می‌گذرند و کماکان قابل پیگیری در اشکال گوناگون است. جدال دایمی کارگران با دولت و کارفرما معمولا با یک اعتصاب پایان نمی‌پذیرد. این کشمکشی دایمی است که هر بار کارگران به شیوه‌های مختلف و تاکتیک‌های مناسب با آن روبرو خواهند شد. عقب‌نشینی دولت- کارفرما تا همین حالا یک دستاورد اعتصاب بزرگ کارگران هفت‌تپه است.

عقب‌نشینی امروز کارفرما- دولت را باید برسیم شناخت و آن را تثبیت کرد. در مبارزات و اعتصابات مداوم کارگران علیه تعرض کارفرما و دولت، جنگ جنگ تا پیروزی وجود ندارد. پیروزی بزرگ در گرو سلسله مبارزات و دستاوردها و پیروزی‌های یکی پس از دیگری به مثابه سکوی برای پرش بعدی است.

نمایندگان واقعی کارگران هفت‌تپه با گرفتن تضمین اجرای تعهدات و تصمیم دولت- کارفرما و تاکید بر بازگشت همکاران اخراج شده، می‌توانند اتحاد صفوف خود را تحکیم کنند. اتحادی که تاکنون ضامن منفعت طبقاتی و مطالبات و خواست‌های رفاهی و تحمیل تشکل مستقل کارگران در اشکال سندیکای مستقل، مجامع عمومی منظم و شیوه شورایی دخالت کلیه کارگران در سرنوشت کار و مبارزه بوده است. هم کارفرما و دولت و هم شورای اسلامی هفت‌تپه به خوبی می‌فهمند که شورای اسلامی نماینده هیچ بخش کارگری هفت‌تپه و یا ضامن اجرای تعهدات و تصمیمات دولت- کارفرما نیست. قدرت اعتصاب کارگران هفت‌تپه مجالی برای وعده و فریب و وقت خریدن به کارفرما و دولت نداده است. دشمن به این قدرت واقف است. پتک اعتصاب بر بالای سر دشمنان کارگران سنگینی می‌کند و راه گریزی برایشان باقی نگذاشته است. عقب‌نشینی دولت- کارفرما پاسخی به این توازن قوا است.

کارگران و رهبران کارگری هفت‌تپه در یک دوران طولانی جدال طبقاتی با کارفرما و دولت با اتکا به توده وسیع کارگران، برقراری رابطه شرکت با شهر شوش، مقابله با تفرقه در صفوف کارگران، اعتماد بنفوس و به چالش کشیدن نهادهای قدرت حامی کارفرما و غیره، سنت و تجارب گرانبهایی را برای کل طبقه کارگر ایران به ارمغان آورده است.

تصمیم امروز کارگران و نمایندگان واقعی‌شان در مجامع عمومی و سندیکا در این برهه زمانی معین و در پاسخ به تصمیم و تعهدات جدید دولت- کارفرما می‌تواند یک تجربه مثبت و هوشمندانه دیگر در جنبش طبقه کارگر باشد. باید دید کارگران هفت‌تپه به واقعیت‌های موجود چگونه می‌نگرند، چه تصمیمی می‌گیرند و چه پاسخی می‌دهند!

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

تا با "حفظ و اشاعه" سیاست مفت و مجانی رعایت کردن "فاصله اجتماعی" و "زدن ماسک" از خودشان و بقیه حفاظت کنند! در یک جمله، مردم مشغول "خالی کردن این دریای عظیم مصائب و فاجعه انسانی با قاشق شوند" تا بلکه نظام این گرداب را به "سلامت" از سر بگذارند!

سیاست "مردم با رعایت فاصله اجتماعی و ماسک مشغول حفظ امنیت خود و جامعه شوند" یک روی "نقشه راه" و روی دیگر آن دادن فرصت و اجازه کافی و نامحدود به لیدرها و مقامات معظم و رؤسای جمهور ها و نخست وزیران، انواع ترامپ ها و جانسون ها و خامنه ای ها و اردوغان ها و پوتین ها و نتانیاهو ها از آمریکا تا چین و روسیه و هند و ایران و برزیل است تا با آزمون خطا های بیشتر تلاش برای حفظ نظام شان، را باز هم امتحان کنند. تا نظام و نظام هایی که زندگی بشریت و حیات کره خاکی را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است، را با حرکت از پشت میز این قمار اقتصادی و تجاری به پشت آن میز قمار میلیتاریستی و نظامی، حفظ کنند! "با کرونا فعلا و تا زمان نا معلومی باید زندگی کرد!" حکمی است که محور همه تاکتیک های روز قدرت های اصلی و منطقه ای، است. از اطلاع رسانی و سانسور سازمان یافته اطلاعات پزشکی و علمی، تا طرح "راه کار" های اقتصادی برای جلوگیری از فروپاشی ها، رکودها و توقف های بیشتر چرخه های تولید و توزیع، از استفاده ابزاری از قدرت تجاری و میلیتاریستی و جایجایی های نظامی و افزایش عظیم بودجه های نظامی و تاسیس پایگاه های نظامی جدید در منطقه تا دامن زدن بیشتر به جدال و رقابت های سیاسی و پارکیری های جدید، همه و همه حول "با کرونا باید زندگی کرد" شکل میگیرد! مبارزه با اپیدمی جهانی کرونا، حفاظت از زندگی انسانها، جلوگیری از فقر و قربانی شدن میلیاردها بشر کره خاکی، و در یک کلام "خلاصی از کرونا" بی صاحب است و به حاشیه رانده شده است! نه به این دلیل که گویا بشریت توان فکری و علمی مبارزه با آن را ندارد! بلکه به این دلیل که اولویت طبقه در قدرت، اولویت اقتصاد کاپیتالیستی و اولویت دولت های غایبند حفظ و بقا نظام، نیست! با کرونا باید زندگی کرد، زندگی در راستای سرپا نگاه داشتن نظم اقتصادی، سیاسی و نظامی و فرهنگی است که تا مغز استخوان کپک زده و فاسد و گندیده شده است! در دل این "ترمال سازی" و سپردن "مبارزه با کرونا به مردم"، جهان شاهد افزایش بودجه های نظامی قدرت های اصلی است! جهان شاهد چنگ و دندان نشان دادن های میلیتاریستی بین شرک اصلی قدرت، آمریکا و چین و روسیه و هند و اروپا و بهره برداری های پارتیزانهای شان در حاشیه، چون ایران و ترکیه و اسرائیل و عربستان است! جهان بعلاوه شاهد بیداری عظیم بشریتی است که برای بقا خود و سیاره خود، چاره ای جز قداقم کردن از دل منجلابی که بر سرش خراب کرده اند، ندارد.

در تمدن کاپیتالیستی قرن بیست و یک، عفونتی چون ترامپ را کنار "حشره بزرگ اسلامی" چون خامنه ای بگذارید! که در اوج شیوع کرونا با "کوچک نمایی" مخاطرات کرونا، مشغول نمایشات و پروپاگاندا سیاسی و نظامی و نمایش قدرت شان بودند و میلیون ها نفر را قربانی پروپاگاندهایشان کردند و امروز مردم را دعوت به حفظ امنیت خود و دیگران "با فاصله اجتماعی و ماسک زدن" میکنند! جانسون و بولسنارو را نگاه کنید! شترگاوپلنگ هایی که تلاش کردند نشان دهند که "ملت های برترشان" از گزند کرونا در امان است و هر دو خود مبتلا شدند و جمعیت وسیعی که قربانی سیاست های آنها شدند! آمدنی نژاد این "باکتری اسلامی" که خود دوره ای تسمه از کرده مردم در ایران کشید و تبلیغات انتخاباتی اش را کنار کاندید جدید و در حال آماده شدن برای جانشینی ترامپ، "کانیه وست" سیاه پوست طرفدار نژادپرستی بگذارید! کسی که پس از کساد شدن بازار پارازیت مالنی میلیاردها سلبرتی گری در جهان کروناپی، میخواهد با همسرش "کیم کارداشیان" به شکل دیگری عروج کنند! تا قدرتمند ترین سیاستمدار و "بانوی اول" نشسته بر فراز جهان را به کره خاکی عرضه کنند! این انبار لجن تعمیم یافته، که هر روز با تولید انگلی جدید چهره گریه و قدرت مخرب خود را به نمایش میگذارد، این لکه های ننگ تاریخ بشری را در کنار هم قرار دهید! تا سیمای شیک و مدرن کاپیتالیسم قرن بیست و یک، دمکراسی و اقتصاد بازار آزاد و لیبرالیسم و حقوق بشر آن در مهد تمدن اش، و "سرمایه ملی" و "اقتدار ملی" آن در جغرافیاهایی چون ایران، را در آئینه ای تمام نما، دید!

اگر لنین کاپیتالیسم قرن بیست را "به مثابه بالاترین مرحله ی سرمایه داری"، غایت نهای "رشد" نظام می دانست که از آن پس جهان گرفتار در چنگال این نظام باید از شر گندیدگی، رکود و طفیلی گری ش خلاص شود، جهان کروناپی قرن بیست و یکم خصلت غای کامل یک قرن انباشت تعفن و طفیلی گری ست که جهان گرفتار در چنگال آن، چاره ای جز خلاصی کامل از شر آن ندارد! سوت پایان این جهنم و خشکاندن این باتلاق، مدت ها است که به صدا در آمده است. در آمریکا، ایران، عراق و انگلستان و فرانسه و برزیل و سراسر کره خاکی، اسرا و بردگان سابق، مدت ها است که به بردگی خود رضایت نداده اند! شورش علیه نژاد پرستی در آمریکا که سراسر جهان را به تسخیر خود در آورد، مبارزات و اعتراضات در ایران که یک روز و یک لحظه خاموش نشده است، مبارزات در عراق و لبنان و اسرائیل و فرانسه و ... نشان میدهد که قدرت سوم، از پائین، پوسته ضخیم "با کرونا باید زندگی کرد" را شکسته است و از شکاف ها و درزهای آن به بیرون نقب میزند! راه بقا، راه دفاع، راه اتحاد و همبستگی و مقاومت را باز کرده است! دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد! در این میدان ایران اما، میتواند یکی از گردان های پیشرو محرومین در جهان باشد. دمکراسی غربی و پارلمان و حداقل هایی از آزادی های سیاسی و اجتماعی و رفاهی در

غرب در دوره های گذشته، آزادی هایی که تماما حاصل پیشروی جنبش های چپ و کارگری و سوسیالیستی بود، توانست میلیونها شهروند در غرب را به تلاش برای تغییر از درون ساختار بکشاند! این روند بیش از یک دهه است که کم حاصلی خود را در تجربه زندگی به شهروند اروپایی و آمریکایی نشان داده است، و امروز ساختار شکنی و جنبش برای تغییر از پایین و به قدرت پائین رنگ خود را به مبارزات در همه سطوح در کشورهای غربی زده است. آمریکای "کانیه وست" ها و ترامپ ها یک آمریکا است و آمریکا جنبش کارگری و جنبش علیه نژاد پرستی و جنبش ساختار شکنانه ای که هفته های گذشته لجن پراکنی های پرزیدنت را بارها و بارها به صورت اش پرتاب کرد، آمریکا دیگری! آمریکا بعلاوه میدان تعرض جنبش های رادیکال ساختار شکنانه ای هم هست که در کیس جورج فلویید، جهانی را بر سر هئیت حاکمه ها خراب کرد. این آتش نه تنها هنوز خاموش نشده است که جرقه های آن از درزاها و شکاف های دیگری در آمریکا و اروپا دیده میشود.

کیس ایران

ایران گره گاه، دو رویداد "با کرونا باید زندگی کرد" و "بدون جمهوری اسلامی باید زندگی کرد" است. اگر حکم اول به اجبار تحمیل شده است، حکم دوم اما از پایین و در حکم مقاومت و اعتراض و مبارزه تسلسل و پیوسته و چهل ساله هشتاد میلیون مردم گرفتار در چنگال حکومتی تا مغز استخوان ارتجاعی، فاسد، مختنق و اسلامی، صادر شده است. تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری و کشتار افسار گسیخته کرونا از مردمی که از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود محروم اند، تخریب محیط زیست و تخریب میلیتاریستی و استفاده از شکاف های نظامی و فرصت هایی که تحریم و تهدیدات نظامی برای سرپا نگاه داشتن جنازه تماما کپک زده و گندیده جمهوری اسلامی ایران بوجود آورده است، یک روز بدون مقاومت مردم گرفتار در چنگال جمهوری اسلامی، ممکن نشده است! در ایران، تاریخا، و بخصوص در تمام حیات جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای هر میزان تغییر و بهبودی، ساختار شکنانه، و خارج از نظام و به قدرت پایین صورت گرفته است. از تلاش برای گرفتن افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار تا تلاش برای گرفتن حقوق های معوقه، از تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی تا تلاش برای نجات کودکان کار و حفظ محیط زیست، از تلاش برای عقب زدن دست درازی زمخت و کثیف اسلام بر زندگی زنان تا لغو عملی قانون حجاب و جدایی جنسی و آپارتاید جنسی، از تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و مردمی تا تلاش برای نجات قربانیان سیل و زلزله و کرونا و .. همه و همه خارج از ساختار، به قدرت پائین و در جهت کاملا خلاف منافع و "نجات" نظام، صورت گرفته است و می گیرد.

خیزش دیمه سه سال قبل، شورش گرسنگان، شیپور به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ایران را، با حاشیه ای کردن پروپاگاندهای طرفین در مورد تحریم و خطر جنگ و فضای نظامی، به صدا در آورد. از این پس در ایران قدرت سوم از پائین برای تعیین تکلیف حاکمیت به میدان آمد. از آن روز تا امروز که در شهر شوش مردم اعلام میکنند که "خانواده بزرگ هفت تپه" هستند و گرد کارگران اعتصابی خود برای رسیدن آنها به مطالبات شان حلقه زده اند، راه طولانی پیموده شده است! طبقه کارگر و محرومین، هرچند هنوز سایه سنگین فقر و بیکاری و بی امکاناتی را بر فراز سر خود و خانواده هایشان حس میکنند و اعلام میکنند که گرسنه اند، اما عقب ننشسته است و عقب نمی نشیند! در این تحرك و این تحركات، نه قومیت و نه مذهب و نه کیف پول، که مطالبات و خواست های روشن انسانی، رفاهی، معیشتی و آزادیخواهانه است که همچون شوش، میتواند همه شهرهای دیگر در سراسر ایران را، سندانج و اصفهان و تبریز و مشهد و .. گرد خود متحد و متشکل کند و نظم جهنمی و ضدانسانی جمهوری اسلامی را بر سرشان خراب کند.

میگویند در ایران یا سپاه پاسداران یا مردم، کار جمهوری اسلامی ایران را یک سره میکنند! اگر حقیقتی در این ادعا باشد، که هست، امکانات و موقعیت سپاه معلوم و روشن است. سپاه، که سرمایه و نورچشم کل بورژوازی ایران، چه در قدرت به رهبری مقام معظم و چه در اپوزیسیون به رهبری آقای پهلوی است تا نظام کاپیتالیستی ایران را از این گرداب جهانی و از گرداب فروپاشی و سرنوشتی به سلامت عبور دهد، موقعیت بشدت شکننده ای دارد. این نهاد، نظامی - اقتصادی، پشت به سیستم سیاسی و اقتصادی در جهان دارد که خود، از چین و هند تا روسیه و آمریکا و اروپا گندیده است! بعلاوه روینا و خصلت "دست و پاگیر" اسلامی این مافیای قدرت است که انزجار تاریخی مردم ایران را بهمراه دارد و آن را چهل سال است هدف اعتراض میلیونی مردم کرده است، نه قابل کنار گذاشتن است و نه قابل حذف کردن! این واقعیت موقعیت سپاه پاسداران را از نهادهای مشابه در جهان ضعیف تر و آن را ناتوان تر و فلج تر میکند. سپاه بدون دخالت در خاورمیانه و بازی در شکاف های منطقه، که آنهم زیر فشار انفجارات اعتراضی در عراق و لبنان میدان اش تنگ شده است، شانس زیادی نمی تواند داشته باشد! پایین اما نشان داده است که تسلیم نشده و نمی شود. آماده است، و چیزی برای از دست دادن ندارد! اگر متحد و متشکل مستقل از جدایی های قومی و ملی و مذهبی و استانی و .. حول گردان پیشرو خود، طبقه کارگر، بسرعت نقشه راه خود، در جهان "زندگی با کرونا" را معلوم کند!

این کار دست رهبران عملی و سازماندهندگان مبارزات کارگری و مردمی، کمونیست ها و سوسیالیست ها را می بوسد که تعجیل کنند! ما شانس داریم! جنبش ما شانس دارد! اگر در قامت رهبری یک جنبش عظیم اجتماعی به وسعت ایران، برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی با پرچم خود، پرچم مطالبات گرایش کمونیستی طبقه کارگر، به میدان بیاییم.

میان حقوق جماعتمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهای است

زخم ۲۹ ساله کردستان!

محمد فتاحی

m.fatahi@gmail.com

hekmatist.com

صدای آزادی، صدای برابری



تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللہی

هاوکار یاسین، استاد دانشگاه در کردستان عراق، در مصاحبه با تلویزیون NRT مدعی است که کابینه نهم به ریاست مسرور بارزانی تصمیم دارد زخم ۲۹ ساله مردم کردستان را تیمار و ریشه های فساد اقتصادی در این منطقه را خشک کند... خواننده این سطور متوجه باشد که حتی حلقه بگوش ترین روشنفکر دانشگاهی این جامعه هم به رسمیت می شناسد که زخم موجود بر بدن این جامعه، عمری دقیقاً به طول عمر همین دولت کردی حاکم در کردستان عراق دارد. نتیجتاً اگر عنصر ایدئولوژیک پشت این حاکمیت، لقب زخم و عفونت برای حضور دولت کردی در زندگی و تاریخ سی سال گذشته را، از جنس محصولات فرهنگی کمونیست های «ضد ملت کرد» میدانند، میتواند به دفتر اطلاعات برادران هم جنبشی خود در سلیمانیه و اربیل مراجعه و از دست آنها برای بی آبرو کردن حاکمیت شان، شکایت کند... در همین باره، از زبان مردم کوچه و بازار می شنوید که مانع در مقابل خدمات درمانی و دکتر و درمان و بهداشت، فساد اقتصادی است. مانع در مقابل تامین آب و برق، آنهم بعد از ۲۹ سال، فساد اقتصادی است. علت عدم پرداخت حقوق کارمندان و کارکنان دولتی، فساد اقتصادی است، علت ناتوانی در تامین یک آینده حداقلی برای جوانان و فرار مداوم آنها از کردستان، فساد اقتصادی است....

ورد زبان همه هم هست که تنها تخصص مشترک تمام مسئولین حکومتی در کردستان عراق، دزدی و دزدی و دزدی است..

نهایتاً همین دیروز در مدیای اجتماعی، بحث گرم در جمع فعالین ناسیونالیست کرد، بر سر این واقعیت تلخ بود که مردم زیر سلطه حاکمان امروز، تاسف دوران صدارت صدام حسین را میخورند..

اطلاعات و اخبار هم به ما میگوید که زیر سلطه اینها، این فقط آب و برق و درمان و خدمات دوران صدام حسین نیست که از مردم دریغ میشود، بلکه اثری هم از آن تعداد از کارخانه و مراکز صنعتی دوران صدام باقی مانده است.

این یادداشت کوتاه نمیخواهد اوضاع فعلی کردستان عراق را تحلیل و علل ناکامی مردم زحمتکش در رسیدن به ارزشهای شان را ریشه یابی کند. اصلاً و ابداً قرار هم نیست از خوب و بد اوضاع، و از مضرات و زیان و ضررهای سی ساله کارگر و زحمتکش بگوید. به عنوان کمونیستی که برای سرنگونی هرچه حکومت این چنینی است، میکوشد، قول میدهم به نسبت توان خود، برای پایداری و طول عمر این حکومت نژد خدای نداشته خویش دعا کنم که اینها بمانند، تا هر فریب خورده دست خرافات ملی و تبلیغات و هارت و پورت کردایتی به جای باور وعده های دروغین و شیادی های رنگین اینها، بتواند ببیند که تفاوتی بین نوع کرد این حاکمیت با نوع عرب آن، در میان نیست.

بگذار اینها بمانند، البته اگر بمانند، نمونه ای از بهترین دستاوردهای «کرد» برای کارگر و انسان محروم باشند تا با یک مشاهده ساده به هر آدمی با عقل متوسط حالی کند که بین این سیستم حکومتی و سیستم حکومتی همسایگان در کشورهای منطقه، مویی تفاوت وجود ندارد. بگذار همه ببینند و بدانند که بین این دولت با بقیه دول منطقه، تنها یک تفاوت است؛ اگر آنها دولت عرب و عجم اند، این یکی خالص مال کرد است. نتیجتاً این عجم و عرب ضد «کرد» نیست که حتی صنایع دوران حکومت سرنگون شده را هم به نابودی می کشاند، بلکه تمام دستاوردهای خدمات شهری قدیم، سیستم درمانی و بهداشتی قدیم، سیستم آب و برق قدیم، سیستم آموزش و پرورش قدیم و ... را توسط مسئولین خیلی کرد خویش، از زندگی جامعه جارو، و به جایش جنگلستان «زیبایی» از محرومیت به کارگر و انسان دردمند، ارائه میدهد.

بگذار همه بدانند، که این نه سرمایه داران غیر کرد، که سرمایه داران و حاکمان کرد ملت «خودمان» اند که ثروت و سامان این جامعه را برای خود جارو میکنند، درآمدها را می بلعند و دست دزدان عرب و عجم را از پشت می بندند. بگذار همه بدانند که امروز در «کردستان آزاد»، تبعیض و نابرابری و ثروت و فقر، همه بدون تفاوت، اما به «سبک کردی» کنار هم تلینار میشوند. بگذار هر انسان محرومی بداند که تفاوت حکومت «کرد» که اسم مستعار ناسیونالیسم و سرمایه داران کرد است، با حکومت عرب و عجم، نه در مضمون و محتوا، تفاوت در زبان شان است. برای کارگر به عنوان تنها طبقه تولید کننده نعمات زندگی، تفاوت فقط و فقط در زبان استثمارگر و سرکوبگر جامعه است. به همین دلیل، آن دستفروش در مصاحبه مشهورش در وسط خیابان، با تلویزیون آن آر تی، در ابتدای مصاحبه اش با دلی مملو از نفرت و کینه از حاکمین، میگوید: «از» دولت کرد، از پرچم کرد و از سرود کرد» بیزارم، چون اینها ۲۹ سال است به همین زبان و با تکیه بر همین عوامفریبی ها، سلطه ظالمانه خویش بر کرده ما را حفظ کرده اند... اگر اینجا و در این فرصت تحلیل دولت و حاکمیت ناسیونالیسم و کردایتی در کردستان عراق هدف نیست، اما جلب توجه کارگر و زحمتکش در کردستان ایران به اوضاع هم طبقه های شان در کردستان عراق و زیر بیرق احزاب کردایتی، مهم است. مهم است کارگر این وضع را بعد از سه دهه حاکمیت دولت کردی ببیند و از خودپرسد که راستی احزاب هم جنس همین ها در کردستان ایران، با هر پرونده ای که دارند، از برادران عراقی خویش متفاوت ترند؟